

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه

سطح ۲

درس ۱۵

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای حججی

نمازگزار پس از سربرداشتن از رکوع، در حالی که آماده تعظیم و کرنشی متواضعانه‌تر است، به خاک می‌افتد. جبهه بر خاک نهادن، نشانه بالاترین حد خضوع انسان است، و نمازگزار این حد نصاب تواضع را شایسته خدا می‌داند، زیرا کرنش در برابر خدا، کرنش در برابر نیکی و زیبایی مطلق است و آن را در برابر هر کس یا هر چیز غیر خدا حرام و ناروا می‌شمارد؛ زیرا گوهر انسانیت - که ارزنده‌ترین متاع بازار هستی است - با این کار فرو می‌شکند و انسان خوار و پست می‌شود.

در همان حال که سر بر خاک نهاده و خود را غرق در عظمت‌خدا می‌بیند، زبانش نیز با این حالت هماهنگی می‌کند و با ذکری که می‌گوید در حقیقت عمل خویش را تفسیر می‌کند.

«سبحان ربی الاعلی و بحمدہ» پاک و پیراسته است خداوندگار من که برترین است و من ستایشگر اویم. خداوندگار برترین، خداوندگار پیراسته و پاک، و تنها در برابر چنین موجودی است که سزاوار است انسان زبان به ستایش بگشاید و جبهه به خاک بساید.

بحث در کتاب صلات به بررسی اجزاء واجب نماز رسید، در درس گذشته به تفصیل از احکام «رکوع» سخن به میان آمد و مستندات احکام آن مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

یکی دیگر از اجزاء واجب نماز «سجود» است که در پایان جلسه گذشته احکام آن را مطرح کردیم و بحث از مدارک احکام آن به این جلسه موکول شد.

«سجدتین» از اجزاء واجب و یکی از «ارکان نماز» می‌باشد که اخلال به آن صورت عمدی باعث بطلان نماز خواهد شد. اخلال به «سجده» به صورت سهوی از مسائلی است که باید به بحث و بررسی از احکام و مستندات آن پردازیم.

سجود بر زمین و افضلیت سجده بر تربت سیدالشهداء از دیگر احکام «سجود» می‌باشد که در این بحث به ذکر ادله آن خواهیم پرداخت.

متن عربي

و المستند في ذلك:

- ١- اما وجوب سجدين في كل ركعة، فتقتضيه ضرورة الدين و طوائف من النصوص كالتى وردت فيمن نسي الثانية و تذكرها قبل أو بعد الركوع، كصحيحة إسماعيل بن جابر عن أبي عبد الله عليه السلام: «رجل نسي أن يسجد السجدة الثانية حتى قام فذكر و هو قائم انه لم يسجد، قال: فليسجد ما لم يركع، فإذا ركع فذكر بعد ركوعه انه لم يسجد فليمض في صلاته حتى يسلم ثم يسجدها فإنها قضاء».
- ٢- و اما بطلان الصلاة بنقصانها عمداً، فذلك لازم الجزئية. و اما عدمه في فوات السجدة الواحدة و غيرها من الأجزاء غير الركبية فهو يختص بالنسيان للدليل الخاص، كالصحيحة السابقة و غيرها.
- ٣- و اما بطلانها بنقصانها سهواً، فلأن السجود من أحد الخمسة المستثناة في صحيحة «لا تعاد» المتقدمة في الركوع. و اطلاق السجود فيها و ان كان شاملاً للسجدة الواحدة ايضاً إلا أنها قد خرجت بالمقيّد و هو صحيحة اسماعيل المتقدمة.
- ٤- و اما بطلانها بزيادتهما عمداً أو سهواً، فلاطلاق صحيحة أبي بصير: «قال أبو عبد الله عليه السلام: من زاد في صلاته فعليه الإعادة» و لقاعدة لا تعاد بناء على شمولها للزيادة كما هو مقتضى الاطلاق.
- ٥- و اما عدم بطلانها بزيادة سجدة واحدة سهواً، فلصحيحة منصور بن حازم عن أبي عبد الله عليه السلام: «سألته عن رجل صلى فذكر انه زاد سجدة، قال: لا يعيد صلاته من سجدة و يعيدها من ركعة» المقيدة لإطلاق صحيحة أبي بصير.
- ٦- و اما عدم بطلانها بنقصانها، فلصحيحة إسماعيل بن جابر المتقدمة و غيرها.
- ٧- و اما لزوم كون السجود على ما ذكر، فلصحيحة هشام بن الحكم عن أبي عبد الله عليه السلام: «أخبرني عمّا يجوز السجود عليه و عمّا لا يجوز، قال: السجود لا يجوز إلّا على الأرض أو على ما أنبتت الأرض إلّا ما اكل أو لبس».
- و حديث سجود النبي صلى الله عليه و آله على الخمرة المنقول عن عائشة و ميمونة مشهور.
- ٨- و اما اعتبار السجود على الأعضاء الستة مضافاً للجبهة فلصحيح زرارة: «قال أبو جعفر عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: السجود على سبعة أعظم: الجبهة و اليدين و الركبتين و الابهامين من الرجلين».
- ٩- و اما وجه الأفضلية على ما ذكر، فلما رواه معاوية بن عمار:
- «كان لأبي عبد الله عليه السلام خريطة ديباج صفراء فيها تربة أبي عبد الله عليه السلام فكان إذا حضرته الصلاة صبّه على سجده و سجد عليه، ثم قال عليه السلام: ان السجود على تربة أبي عبد الله عليه السلام يخرق الحجب السبع».
- على أن الأفضلية المذكورة لا تحتاج الى دليل بعد تعطر تلك التربة بأفضل دم أريق على وجه الارض في سبيل إعلاء كلمة الاسلام.

یادآوری

- در درس گذشته احکام مربوط به «سجده» مورد بررسی قرار گرفت، مسائل ده‌گانه سجده را با هم مرور می‌کنیم:
۱. در هر رکعت دو سجده واجب است.
 ۲. دو سجده با هم، یک رکن است که اگر کسی در نماز واجب عمداً ترک کند، نمازش باطل خواهد بود.
 ۳. اگر نماز گزار در نماز دو سجده را سهواً ترک کند، نمازش باطل خواهد بود.
 ۴. اضافه شدن دو سجده سهواً یا عمداً نماز را باطل خواهد کرد.
 ۵. اضافه شدن یک سجده سهواً باعث بطلان نماز نخواهد بود.
 ۶. کم شدن یک سجده سهواً باعث بطلان نماز نخواهد بود.
 ۷. باید بر زمین و چیزهای غیرخوراکی و پوشاکی که از زمین می‌روید مانند چوب و برگ درخت، سجده شود.
 ۸. برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام می‌باشد.
 ۹. نمازگزار باید در سجده پیشانی و کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را به زمین بگذارد.
 ۱۰. غیر از پیشانی، بقیه مواضع سجود لازم نیست حتماً بر چیزی قرار بگیرند که سجده بر آنها جایز است.

SCO۱۰۲:۱۴

مستندات احکام سجده

دلیل وجوب سجود

ضرورت دین^۱

وجوب سجده در نماز از ضروریات دین بوده و در میان مذاهب مختلف مسلمین در وجوب آن اختلافی نیست.

صحیحۃ اسماعیل بن جابر

«رجل نسی أن یسجد السجدة الثانية حتی قام فذکر و هو قائم انه لم یسجد، قال: فلیسجد ما لم یرکع، فإذا رکع فذکر بعد رکوعه انه لم یسجد فلیمض فی صلاته حتی یسلم ثم یسجدها فإنها قضاء»^۲.

«مردی فراموش می‌کند که سجده دوم را انجام دهد تا هنگامی که بلند می‌شود به یاد می‌آورد که سجده نکرده است، حضرت می‌فرماید: تا هنگامی که رکوع نکرده است، سجده کند و اگر رکوع کرد و بعد از رکوع به یاد آورد که سجده نکرده است نمازش را ادامه دهد تا این که سلام نماز را بدهد و پس از آن، سجده می‌کند که به درستی این سجده قضاء می‌باشد».

همان‌طور که از ظاهر این روایت مشخص می‌شود سجده یکی از اجزاء واجب نماز است که حتی اگر نمازگزار آن را فراموش کند تا قبل از رکوع باید آن را تدارک کند و اگر بعد از رکوع متذکر شد باید بعد از سلام نماز قضاء آن را به جا آورد.

۱. درباره «ضروریات دین» در درس ۱۴ پاورقی صفحه ۵ توضیحاتی ارائه شد.

۲. وسائل الشیعة الباب ۱۴ من أبواب السجود الحدیث ۱.

دلیل بطلان نماز به نقصان عمدی سجده

دلیل بطلان نماز به نقصان عمدی سجده از لوازم جزئیت سجده برای نماز می‌باشد. زیرا در صورت نقصان عمدی آن و عدم بطلان نماز، مشخص می‌شود که وجود و عدم آن در نماز تاثیری ندارد و این با جزئیت آن منافات دارد، زیرا معنای جزئیت این است که با نبود آن مرکب نیز منتفی می‌شود.

اشکال

اگر بطلان نماز در صورت ترک عمدی سجده، به دلیل از بین رفتن مرکب «نماز» می‌باشد، چرا در صورتی که نمازگزار یک سجده یا تشهد و قرائت و یا هر اجزاء غیر رکنی دیگر را سهواً ترک می‌کند، حکم به بطلان نماز نمی‌شود؟^۱

جواب

مواردی که در اشکال بیان شد «ترک یک سجده یا تشهد یا قرائت» اجزای غیر رکنی هستند و عدم بطلان در آنها مختص به صورت فراموشی و به خاطر وجود دلیل خاص می‌باشد.

دلیل خاص عدم بطلان نماز در صورت ترک یک سجده سهواً

دلیل این مطلب همان روایت اسماعیل بن جابر است که در مستند وجوب سجده گذشت.^۲

دلیل بطلان نماز به نقصان سهوی سجدتین

قاعده «لا تعاد»

۱. توضیح بیشتر اشکال: علتی که برای بطلان نماز در صورت ترک عمدی یک سجده بیان شده است عمومیت دارد، زیرا در صورت ترک تشهد، قرائت یا یک سجده نیز مرکب «نماز» منتفی می‌شود و لکن علماء در این موارد حکم به بطلان نماز نکرده‌اند.
۲. همان‌طور که مصنف در متن اشاره کرد دلیل عدم بطلان نماز در صورت ترک سهوی سجده را می‌توان از صحیحۀ اسماعیل بن جابر استفاده کرد:

«مردی فراموش می‌کند که سجده دوم را انجام دهد تا هنگامی که بلند می‌شود به یاد می‌آورد که سجده نکرده است، حضرت می‌فرماید: تا هنگامی که رکوع نکرده است، سجده کند و اگر رکوع کرد و بعد از رکوع به یاد آورد که سجده نکرده است نمازش را ادامه دهد تا این که سلام نماز را بدهد و پس از آن سجده می‌کند که به درستی این سجده قضاء می‌باشد». و سائل الشیعة الباب ۱۴ من أبواب السجود الحدیث ۱. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود امام علیه‌السلام در این روایت، نماز شخصی را که یک سجده را فراموش کرده، باطل نمی‌داند و نهایتاً امر به قضاء آن بعد از اتمام نماز می‌کند.

اما دلیلی که می‌توان برای عدم بطلان نماز برای اجزاء غیر رکنی مانند تشهد و سلام ارائه کرد صحیحۀ زراره می‌باشد: زراره نقل می‌کند که امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «نماز اعاده نمی‌شود مگر به خاطر پنج چیز: طهارت و وقت و قبله و رکوع و سجده. سپس فرمودند: قرائت و تشهد، سنت هستند و سنت فریضه را نقض نمی‌کند». و سائل الشیعة الباب ۲۹ من أبواب القراءة فی الصلاة، الحدیث ۵.

همان‌گونه که در این روایت آمده است نماز فقط به خاطر اخلال در طهارت، وقت، قبله، رکوع و سجود اعاده می‌شود لذا ترک سهوی بقیه اجزاء غیر رکنی باعث بطلان نماز نبوده و باعث وجوب اعاده نمی‌باشد. علت این امر نیز چنانچه در ذیل روایت آمده، این است که ارکان پنج‌گانه نماز را خداوند واجب کرده و بقیه اجزا را پیامبر صلی الله علیه و آله جزء نماز قرار داده است لذا هر خللی به آنچه خداوند قرار داده وارد شود، موجب بطلان نماز است ولی اگر خللی به آنچه پیامبر قرار داده است وارد شود بر صحت آنچه تشریح الهی است، اثرگذار نیست.

مضمون این قاعده که مستفاد از صحیحۀ زراره می‌باشد - و در مباحث گذشته به آن مفصلاً اشاره شد - این است که نماز در صورت اخلال به هر یک از ارکان پنج‌گانه آن یعنی: طهارت، وقت، قبله، رکوع و سجود اعاده می‌شود. که اطلاق این صحیحۀ شامل هر دو حالت عمد و نسیان می‌شود.

اشکال

اطلاق صحیحۀ زراره شامل ترک یک سجده به صورت سهوی نیز می‌شود، اما در ترک یک سجده سهواً کسی قائل به بطلان نماز نشده است.

جواب

بله اطلاق «لاتعاد» شامل ترک سهوی یک سجده نیز می‌شود و لکن با تمسک به صحیحۀ اسماعیل به جابر این مورد از قاعده «لاتعاد» استثناء می‌شود. «FG»

- ادله برخی احکام سجود
۱. وجوب دو سجده در هر رکعت: ضرورت دین و صحیحۀ اسماعیل بن جابر.
 ۲. بطلان نماز در صورت ترک سجده عمداً: لازمه جزئیت سجده برای نماز.
 ۳. دلیل عدم بطلان نماز در صورت ترک یک سجده سهواً: صحیحۀ اسماعیل بن جابر.
 ۴. بطلان نماز در صورت ترک دو سجده سهواً: رکن بودن دو سجده با توجه به قاعده «لاتعاد».

تطبیق

و المستند فی ذلک:

مستندات احکام سجود

۱. اما وجوب سجدتین فی کل رکعة، فتقتضیه ضرورة الدین و طوائف من النصوص کالتی وردت فیمن نسی الثانية و تذکرها قبل أو بعد الركوع.

۱. اما وجوب دو سجده در هر رکعت، پس اقتضاء می‌کند آن را ضرورت دین و طوائفی از روایات مانند روایاتی که درباره کسی که سجده دوم را فراموش کرده است و آن را قبل یا بعد از رکوع به یاد می‌آورد. کصحیحۀ اسماعیل بن جابر عن أبي عبد الله عليه السلام: «رجل نسی أن یسجد السجدة الثانية حتی قام فذکر و هو قائم انه لم یسجد، قال: فلیسجد ما لم یرکع، فإذا رکع فذکر بعد رکوعه انه لم یسجد فلیمض فی صلاته حتی یسلم ثم یسجدها فإنها قضاء»^۱.

مانند صحیحۀ اسماعیل بن جابر از امام صادق علیه السلام: «مردی فراموش می‌کند که سجده دوم را انجام دهد تا هنگامی که بلند می‌شود به یاد می‌آورد که سجده نکرده است، حضرت می‌فرماید: تا هنگامی که رکوع نکرده است، سجده کند و اگر رکوع کرد و بعد از رکوع به یاد آورد که سجده نکرده است نمازش را ادامه دهد تا این که سلام نماز را بدهد و پس از آن سجده می‌کند که به درستی این سجده قضاء می‌باشد».

۱. وسائل الشیعة الباب ۱۴ من أبواب السجود الحدیث ۱.

۲. و اما بطلان الصلاة بنقصانها عمداً، فذلك لازم الجزئية.

۲. و اما باطل بودن نماز در صورت نقصان سجده به صورت عمدی، لازمه جزئیت سجده برای نماز است. و اما عدمه فی فوات السجدة الواحدة و غيرها من الأجزاء غير الركنية فهو يختص بالنسيان للدليل الخاص، كالصحيحة السابقة و غيرها.

و اما عدم بطلان نماز در صورت فوت یک سجده و غیر سجده از اجزاء غیر رکنیه اختصاص به حالت فراموشی دارد، به خاطر وجود دلیل خاص مانند صحیحۀ سابق و غیر آن صحیحہ.

۳. و اما بطلانها بنقصانها سهواً، فلأن السجود من أحد الخمسة المستثناة في صحيحة «لا تعاد» المتقدمة في الركوع.

۳. و اما بطلان نماز با ناقص شدن دو سجده به صورت سهوی به دلیل این است که سجده یکی از پنج استثناء حدیث «لا تعاد» می باشد که در بحث رکوع گذشت.

و اطلاق السجود فيها و ان كان شاملاً للسجدة الواحدة ايضاً إلا أنها قد خرجت بالمقيّد و هو صحيحة اسماعيل المتقدمة. و اطلاق سجود در حدیث «لا تعاد» هر چند شامل یک سجده نیز می شود لکن حکم یک سجده با دلیل مقيّد که همان صحیحۀ اسماعیل سابق می باشد از حدیث «لا تعاد» خارج شده است.

SCO۲۱۱:۵۷

دلیل بطلان نماز با اضافه شدن دو سجده سهواً یا عمداً

۱. صحیحۀ ابی بصیر

«قال أبو عبد الله عليه السلام: من زاد في صلاته فعلية الإعادة»^۱ امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که در نمازش چیزی را اضافه کند، باید آن را اعاده کند».

این صحیحۀ اطلاق داشته و شامل جائی که نمازگزار دو سجده را به نماز اضافه کند نیز می شود.^۲

۱. وسائل الشیعة الباب ۱۹ من أبواب الخلل الحديث ۲.

۲. «قاعده لاتعاد» از یک نظر عام است یعنی هم شامل زیادی می شود و هم شامل نقیصه. این قاعده یک ضابطه کلی در نماز است که هم زیادی را می گیرد و هم نقیصه را. فلذا از این نظر عام است. اما از نظر دیگر خاص است چون ارکان را شامل نمی شود بلکه فقط غیر ارکان را شامل می شود چون در ادامه حدیث فرموده «الا من خمسة» پس از یک نظر عام است هم شامل زیادی می شود هم شامل نقیصه. اما از نظر دیگر خاص است چون شامل ارکان نیست بلکه فقط غیر ارکان را شامل می شود. اما قاعده «من زاد في صلاته فعلية الإعادة» عام است چون هم ارکان را شامل است و هم غیر ارکان را. ولی از نظر دیگر خاص است چون فقط زیادی را شامل است اما نقیصه را شامل نیست پس در دو مورد قلمرو شان از هم جدا می شود یعنی قاعده «لاتعاد» هست ولی قاعده «من زاد في صلاته فعلية الإعادة» در آنجا حضور ندارد در چه موردی قاعده صحت هست، اما قاعده بطلان حضور ندارد؟ در جای که مکلف چیزی را «رکن یا غیر رکن» در نمازش کم کند «نقص في صلاته شيئاً رکنياً أو غير رکنی» در صورت نقصان قاعده صحت حضور دارد، اما قاعده بطلان حضور ندارد. مورد دومی که قلمرو این دو قاعده از هم جدا می شود، جایی است که کسی در نمازش رکنی از ارکان را زیاد کند. در اینجا قاعده بطلان حضور دارد، اما قاعده صحت حضور ندارد، چون پسوند قاعده صحت جمله «الا من خمسة» بود فلذا اگر انسان در نمازش رکوع و یا سجود را اضافه کند قاعده «من زاد في صلاته فعلية الإعادة» شامل است، اما «قاعده لاتعاد» شامل نیست. اما در یک مورد قلمرو هر دو قاعده یکی می شود مثل جای که مکلف در نمازش غیر رکن را زیاد کند در اینجا قاعده صحت می گوید که نماز این شخص صحیح است اما قاعده بطلان می گوید که نمازش باطل است در اینجا چه باید کرد آیا «قاعده لاتعاد» را مقدم کنیم یا

۲. قاعده «لا تعاد»

دومین دلیل بطلان نماز در صورت اضافه شدن دو سجده به نماز، قاعده «لا تعاد» می‌باشد. البته تمسک به این قاعده در صورتی است که قاعده شامل اضافه شدن نیز بشود. و حق این است که قاعده «لا تعاد» اطلاق داشته و شامل مواردی که چیزی به نماز اضافه شود، نیز می‌شود. ^۱ «FG»

قاعده «من زاد فی صلاته فعليه الاعاده» را؟ این اشاره‌ای بود به نسبت میان این دو قاعده که دانش‌پژوهان محترم می‌توانند برای حل تعارض این دو قاعده به کتب فقهی مراجعه نمایند.

۱. بعضی از علما (مثل مرحوم نائینی) می‌فرمایند که قاعده لاتعداد نسبت به (مستثنی منه) عام است و شامل زیاده و نقیصه می‌شود، اما نسبت به (مستثنی) عام نیست بلکه اختصاص به نقیصه دارد و شامل زیادی نمی‌شود، پس طبق این نظریه معنی حدیث این می‌شود که «لا تعاد الصلوة من جهة الاخلال بالزیاد والنقیصة، الا من خمسة من جهة الاخلال بالنقیصة»، یعنی شامل زیادی نمی‌شود، مثلاً اگر کسی رکوع را دوبار انجام داد، شامل زیادی نمی‌شود بلکه فقط شامل نقیصه می‌شود، ایشان دو دلیل دارند:

دلیل اول: اگر مستثنی شامل زیادی هم بشود باید پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بفرماید: (الا من سبعة). الطهور، القبلة، والوقت، الركوع (یعنی نقیصه‌اش) والسجود (نقیصه‌اش)، والركوع یعنی رکوعی که مکلف و صفش را انجام ندهد نه اینکه اصلش را انجام ندهد. در چه زمانی انسان و صفش را انجام نمی‌دهد؟ وقتی که مکلف دوتا انجام بدهد، در اینصورت اصل رکوع است اما و صفش نیست، یا اگر سه تا سجده کند، در این فرض اصل سجود است، ولی و صفش نیست، باید بفرماید (الا من سبعة)، یعنی علاوه بر پنج‌تای اول، الركوع اذا فقد وصفه، السجود اذا فقد وصفه، وحال آنکه پیغمبر (ص) یا امام (ع) فرموده (الا من سبعة) مستدل سپس نتیجه می‌گیرد که اگر مستثنی هم شامل نقیصه بشود و هم شامل زیادی مطالبات نماز از پنج تا به هفت تا تجاوز می‌کند پنج‌تای اولش همان است که در حدیث آمده دوتای دیگرش هم در آن جای است که خودشان باشد اما وصف شان نباشد مثل اینکه دوتا رکوع انجام دهد و یا سه تا سجده نماید (در اینصورت وصف شان نیست). فلذا طبق این فرضیه مبطلات نماز می‌شود هفت تا و حال آنکه پیغمبر (ص) و یا امام (ع) فرموده پنج‌تاست. بنابراین باید بگوییم که مستثنی (یعنی الا من خمسة) شامل نقیصه است ولی شامل زیادی نیست و اگر بخواهد شامل زیادی هم بشود چون مرجع زیادی به نقیصه است لازم می‌آید که باید بجای پنج تا هفت تا بگوید و برای اینکه چنین اشکالی پیش نیاید باید قائل شویم که (مستثنی) فقط شامل نقیصه می‌شود نه شامل زیادی.

جواب از دلیل اول: اگر کسی از منظر عقل نگاه کند حق با صاحب این استدلال است یعنی بازگشت زیادی به نقیصه است فلذا پیغمبر (ص) یا امام (ع) باید به جای پنج تا هفت تا بگوید «پنج تا نقص ذات، دوتا هم نقص صفت»

و اما از نظر عرف زیادی آن است که انسان چیزی را دو بار انجام بدهد یعنی از نظر عرف بازگشت زیادی به نقیصه نیست فلذا پنج تا درست است (لا تعاد الصلوة من جهة الاخلال بالزیاد والنقیصة، الا من خمسة من جهة الاخلال بالنقیصة). بنابراین اگر کسی رکوع را دوبار انجام بدهد یا سجده را سه بار بیاورد این از دید و منظر عرف زیادی می‌باشد. پس قاعده از هر دو طرف یعنی هم از ناحیه (مستثنی منه) و هم از ناحیه (مستثنی) عام است و شامل زیادی و نقیصه می‌شود.

دلیل دوم: دلیل دوم مرحوم نائینی (وامثال نائینی) این است که تمام این پنج تا نقیصه بر می‌دارند ولی سه‌تای آنها زیادی بر نمی‌دارند یعنی هر پنج تا نقیصه بر می‌دارد، مثل اینکه کسی بدون وضو نماز بخواند یا پشت به قبله نماز، قبل از وقت نماز بخواند و یا بدون رکوع و سجود نماز بخواند. ولی از میان این پنج تا، سه‌تای اول (یعنی طهارت، قبله و وقت) زیادی بردار نیستند، وقتی که این سه تا زیادی بردار نیستند پس (به خاطر وحدت سیاق) باید بگوییم که بقیه نیز راجع به نقیصه است نه زیاده.

جواب دلیل دوم: در جای که زیادی متصور نیست قرینه‌ی عقلیه داریم بر اینکه مراد زیادی نیست، چون عقل می‌گوید که وقت و قبله زیادی بردار نیستند ولی این سبب نمی‌شود که بگوییم در رکوع و سجود هم بگوییم که اختصاص به نقیصه دارد و شامل زیادی نیست فلذا فرق است بین جای که زیادی تکویناً ممکن نیست و بین جای که تکویناً ممکن است در جای که ممکن نیست، رفع ید می‌کنیم اما در جای که مانند رکوع و سجود زیادی و اضافه ممکن است می‌گیریم.

نتیجه: قاعده (لا تعاد) عام است و شامل زیاده و نقیصه می‌شود و فرمایش کسانی که می‌خواستند آن را مخصوص نقیصه کنند صحیح نیست. و هم چنین در جای که امکان اضافی و زیادی نیست، این سبب نمی‌شود بر اینکه آنجا که امکان اضافی است از آن رفع ید کنیم.

۱. اطلاق صحیحہ ابی بصیر: «من زاد فی صلاته فعلیه الاعاده».

ادله بطلان نماز با زیادی سجدتین عمداً یا سهواً

۲. قاعده «لاتعاد» بناء بر شمول آن نسبت به زیاده.

تطبیق

۴. و اما بطلانها بزبادتہما عمداً أو سهواً، فلإطلاق صحیحہ ابی بصیر: «قال أبو عبد الله عليه السلام: من زاد فی صلاته فعلیه الاعاده»^۱

۴. و اما بطلان نماز با زیاد شدن دو سجده به صورت عمدی یا سهوی به دلیل اطلاق صحیحہ ابی بصیر می باشد: «امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در نمازش چیزی را اضافه کند، باید آن را اعاده کند».

و لقاعدة لا تعاد بناء علی شمولها للزیادة كما هو مقتضى الاطلاق.

و به دلیل قاعده «لاتعاد» بناء بر این که قاعده شامل اجزاء اضافه بشود، هم چنان که مقتضی اطلاق آن همین است.

SC03 ۱۶:۴۳

دلیل عدم بطلان نماز در صورت اضافه شدن یک سجده سهوی

صحیحہ منصور بن حازم

عن ابی عبدالله علیه السلام : «سألته عن رجل صلی فذكر انه زاد سجدة، قال: لا يعيد صلاته من سجدة و يعيدها من رکعة»^۲

منصور بن حازم نقل می کند: «از امام علیه السلام درباره مردی که نماز می خواند و متوجه می شود که یک سجده را اضافه انجام داده است، سوال کردم. حضرت فرمودند: نماز را برای یک سجده اعاده نمی کند، و آن را برای یک رکعت اعاده می کند».

قول امام علیه السلام که می فرمایند «لا یعید» کنایه از این است که نمازش باطل نیست و صحیح است و بلکه اعاده نماز در یک رکعت است. یعنی اگر دو سجده زیادی بجا بیاورد، باید اعاده کند و نمازش باطل است اما زیادی یک سجده موجب بطلان نماز نشده و نیازی به اعاده نیست.^۳

۱. وسائل الشیعة الباب ۱۹ من أبواب الخلل الحدیث ۲.

۲. وسائل الشیعة الباب ۱۴ من أبواب الركوع الحدیث ۲.

۳. به روایت منصور بن حازم «لاتعاد صغیر» گفته می شود که «لاتعاد صغیر» بر «قاعده لاتعاد» حکومت دارد.

توضیح بیشتر: اگر ما بودیم و قاعده «لاتعاد» که مستفاده از صحیحہ «لاتعاد الصلاة الا من خمس الطهور و الوقت و القبلة و الركوع و السجود» می باشد در صورت اضافه سجده واحده حکم به بطلان نماز می کردیم اما روایت منصور بن حازم در سجده تصرف می کند که إخلال به سجده واحده موجب بطلان صلات نمی شود و إخلال به دو سجده موجب بطلان صلات می شود. پس إخلال در سجده واحده موجب اعاده صلات نمی شود و در صورت إخلال به دو سجده موجب بطلان می شود و بر همین اساس فقهای عظام روایت منصور بن حازم را «لاتعاد صغیر» نامیده اند چون مخصوص است در خلل به سجده واحده که موجب بطلان صلات نمی گردد.

اشکال

با وجود صحیحۀ ابی بصیر که روایت کرد امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که در نمازش چیزی را اضافه کند، باید آن را اعاده کند». چگونگی حکم به صحت نماز کسی می‌شود که یک سجده را هر چند سهواً به آن اضافه کرده باشد.

جواب

رابطه بین صحیحۀ ابی بصیر و صحیحۀ منصور بن حازم مطلق و مقید است، روایت ابی بصیر اطلاق دارد و شامل هر زیادی در نماز می‌شود و لکن صحیحۀ منصور بن حازم مخصوص به زیاد شدن سهوی سجده در نماز است، لذا صحیحۀ منصور بن حازم بر صحیحۀ ابی بصیر مقدم شده و آن را تخصیص می‌زند.

دلیل عدم بطلان نماز در صورت فراموشی یک سجده

صحیحۀ اسماعیل بن جابر

اسماعیل بن جابر از امام صادق علیه السلام: «مردی فراموش می‌کند که سجده دوم را انجام دهد تا هنگامی که بلند می‌شود به یاد می‌آورد که سجده نکرده است، حضرت می‌فرماید: تا هنگامی که رکوع نکرده است، سجده کند و اگر رکوع کرد و بعد از رکوع به یاد آورد که سجده نکرده است نمازش را ادامه دهد تا این که سلام نماز را بدهد و پس از آن سجده می‌کند که به درستی این سجده قضاء می‌باشد».

همان‌طور که از ظاهر این صحیحۀ مشخص می‌شود در صورت نسیان سجده نماز باطل نیست، بلکه اگر مکلف قبل از رکوع متذکر شود باید آن را تدارک کند و اگر بعد از رکوع به خاطر بیاورد که سجده را انجام نداده است باید بعد از نماز آن را قضاء کند. «FG»

۱. نقصان سجده: صحیحۀ اسماعیل بن جابر.

ادله عدم بطلان نماز در صورت اخلاص به یک سجده سهواً

۲. سجده اضافی: صحیحۀ منصور بن حازم.

تطبیق

۵. و اما عدم بطلانها بزیادة سجدة واحدة سهواً.

۵. و اما عدم بطلان نماز به دلیل زیاد شدن اشتباهی یک سجده.

فصحیحۀ منصور بن حازم عن ابی عبد الله علیه السلام: «سألته عن رجل صَلَّى فذكر انه زاد سجدة، قال: لا يعيد صلاته من سجدة و يعيدها من ركعة» المقيدة لإطلاق صحیحۀ ابی بصیر.

به دلیل صحیحۀ منصور بن حازم می‌باشد از امام صادق علیه السلام: «از امام علیه السلام درباره مردی که نماز می‌خواند و متوجه می‌شود که یک سجده را اضافه انجام داده است، سوال کردم. حضرت فرمودند: نماز را برای یک سجده اعاده نمی‌کند، و آن را برای یک رکعت اعاده می‌کند».

۱. وسائل الشیعة الباب ۱۴ من أبواب الركوع الحدیث ۲.

۶. و اما عدم بطلانها بنقصانها، فلصحيحة إسماعيل بن جابر المتقدمة و غيرها.

۷. و اما عدم بطلان نماز با فراموشی یک سجده، به دلیل صحیحۀ اسماعیل بن جابر است که گذشت و غیر این صحیحہ.

SCO ۴ ♦ ۲۰:۲۵

ادلة انحصار سجود بر زمین

صحیحۀ هشام بن سالم

«أخبرني عمّا يجوز السجود عليه و عمّا لا يجوز، قال: السجود لا يجوز إلّا على الأرض أو على ما أنبتت الأرض إلّا ما اكل أو لبس»^۱

هشام می گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم که مرا خبر دهید از چیزهایی که سجود بر آن جائز است و چیزهایی که سجود بر آنها جائز نیست؟ حضرت فرمود: سجده جائز نیست مگر بر زمین یا چیزهایی که از زمین می روید الا بر چیزهایی که خورده می شود یا پوشیده می شود».

حدیث سجود پیامبر صلی الله علیه و آله

حدیث سجود پیامبر که از عائشه و میمونه نقل شده است و از احادیث مشهور نیز می باشد روایات دیگری هستند که به عنوان مستندات سجود بر زمین و آن چه از آن می روید، می توان به آن تمسک کرد.

خبر عائشة

عن عائشة: «أن رسول الله صلى الله عليه و آله قال لها: «ناوليني الخمرة من المسجد، قالت فقلت: اني حائض، فقال: ان حيضتك ليست في يدك»^۲

از عائشه نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «از مسجد برای من خمره را بیاور، عائشه گفت: عرض کردم: من حائض هستم، حضرت فرمود: حیض که در دست تو نیست».

واژه «خمره» به معنای زیر اندازی است از برگ درخت نخل تهیه و به عنوان سجاده از آن استفاده می کردند. تعبیر «ان حیضتک لیست فی یدک» نیز به معنای این است که آوردن سجاده از مسجد منافاتی با حائض بودن تو ندارد.

خبر میمونه

عن میمونة: «كان النبي صلى الله عليه و آله يصلي على الخمرة»^۳

از میمونه نقل شده است «همواره پیامبر صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می گذاردند».

با توجه به این دو خبری که از «عائشه» و «میمونه» نقل شد، روشن می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله بر سجاده ای که از برگ درخت نخل تهیه می شده است سجده می کردند. «FG»

۱. وسائل الشیعة الباب ۱ من ابواب ما یسجد علیه الحدیث ۱.

۲. فقد روی مسلم فی باب الاضطجاع مع الحائض فی لحاف واحد، من کتاب الحیض، حدیث ۱۱.

۳. روی البخاری فی باب الصلاة علی الخمرة من کتاب الصلاة، الحدیث ۳۸۱

۱. صحیحہ ہشام بن حکم.

۲. خبر عائشہ.

۳. خبر میمونہ.

ادلہ لزوم سجده بر زمین و آنچه از آن می‌روید

تطبيق

۷. و اما لزوم كون السجود على ما ذكر، فلصحيحة هشام بن الحكم عن أبي عبد الله عليه السلام: «أخبرني عمّا يجوز السجود عليه و عمّا لا يجوز، قال: السجود لا يجوز إلّا على الأرض أو على ما أنبتت الأرض إلّا ما اكل أو لبس»^۱.
 ۷. و اما لزوم سجود بر آن چه که ذکر شد به دلیل صحیحہ ہشام بن حکم از امام صادق علیہ السلام است: «به امام صادق علیہ السلام عرض کردم که مرا خبر دهید از چیزهایی که سجود بر آن جائز است و چیزهایی که سجود بر آنها جائز نیست؟ حضرت فرمود: سجده جز بر زمین یا آنچه از زمین می‌روید جایز نیست مگر آنچه خوردنی یا پوشیدنی باشد».

و حدیث سجود النبی صلی الله علیه و آله علی الخمرۃ المنقول عن عائشہ و میمونہ مشہور^۲.

و حدیث مشہور سجود پیامبر صلی الله علیه و آله بر خمره که از عائشہ و میمونہ نقل شده است. ۲۳:۲۸ SCO۵۵

دلیل اعتبار سجود بر اعضای هفت گانه همراه با پیشانی

صحیحہ زراره

زراره: «قال أبو جعفر عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: السجود على سبعة أعظم: الجبهة واليدين والركبتين والابهامين من الرجلين».

زراره: «امام باقر عليه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سجود بر هفت استخوان واجب است: پیشانی، دو کف دست و دو زانو و انگشت بزرگ دو پا».

تطبيق

۸. و اما اعتبار السجود على الأعضاء الستة مضافا للجبهة فلصحيح زرارة: «قال أبو جعفر عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: السجود على سبعة أعظم: الجبهة واليدين والركبتين والابهامين من الرجلين»^۳.

۱. وسائل الشيعة الباب ۱ من أبواب ما يسجد عليه الحديث ۱.

۲. فقد روى مسلم في باب الاضطجاع مع الحائض في لحاف واحد، من كتاب الحيض، حديث ۱۱ عن عائشة: «أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال لها: «ناوليني الخمرۃ من المسجد، قالت فقلت: انى حائض، فقال: ان حيضتك ليست فى يدك» كما و روى البخارى فى باب الصلاة على الخمرۃ من كتاب الصلاة، الحديث ۳۸۱ عن میمونہ «كان النبی صلی الله علیه و آله یصلی على الخمرۃ» و الخمرۃ بضم الخاء و سکون الميم قطعة نسیج من خوص یسجد علیها.

۳. وسائل الشيعة الباب ۴ من أبواب السجود الحديث ۲.

۸. و اما اعتبار سجود بر اعضاء شش گانه همراه با پیشانی به دلیل صحیح زراره است: «امام باقر علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سجود بر هفت استخوان واجب است: پیشانی، دو کف دست و دو زانو و انگشت بزرگ دو پا». ۲۵:۰۳ SCO۶

دلیل افضلیت سجود بر تربت امام حسین علیه السلام

روایت معاویه بن عمار

«همواره امام صادق (ع) کیسه زرد رنگی از جنس «ابریشم» به همراه داشت که مقداری از تربت امام حسین (ع) در آن کیسه بود، به هنگام نماز آن را بر روی سجاده خود می ریخت و بر آن سجده می کرد سپس حضرت می فرمود: سجده بر تربت امام حسین علیه السلام حجاب های هفت گانه را پاره می کند.^۱ البته در فضیلت سجده بر تربت سیدالشهداء همین بس که این تربت با بهترین خونی که در راه بالا بردن پرچم اسلام معطر شده است.^۲ «FG»

۱. مراد از حجاب های هفتگانه، طبق روایات متعدد، اموری است که مانع از صعود و قبول اعمال انسان در آسمان های هفتگانه است. در روایتی از بحار الانوار، معاذ بن جبل از پیامبر گرامی حدیث مفصلی را نقل می کند که به این شرح است: «معاذ بن جبل می گوید: حدیثی را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که اگر این حدیث را حفظ کنی، به تو نفع خواهد داد. آن حضرت می فرمود: همانا خدای سبحان قبل از آن که آسمان های هفتگانه را خلق کند، هفت فرشته را خلق کرد. سپس در هر آسمانی، فرشته ای قرار داد که بر در ورودی طبقات آسمان ها قرار گرفته اند و حافظان عمل انسان، عمل او را از صبح تا غروب یادداشت می کنند. سپس حافظان و نگهبانان انسان، عمل او را بالا می برند. برای این عمل نوری است همانند نور خورشید، تا این که به آسمان دنیا می رسد. در این جا است که جلوی عمل انسان گرفته می شود، که این خود یک حجاب از حجاب ها و پرده های هفتگانه آسمان ها است. در اینجا به عمل انسان دستور ماندن می دهند. پس اگر صاحب این عمل، دارای گناهی باشد، مثلاً غیبتی کرده باشد، فرشته غیبت مانع ورود این عمل به طبقات و حجاب های دیگر آسمان می شود و می گوید که این را خدای سبحان به من امر فرموده است. ممکن است این عمل به آسمان دوم برسد که در آن جا هم ملکی است که اگر صاحب این عمل با عملش قصد دنیوی داشته است، باز مانع بالا رفتن این عمل به طبقه سوم آسمان می شوند، مگر این که این عمل با صدقه و نمازی همراه باشد. همین طور تا آسمان هفتم، در هر طبقه ملکی است که اگر خدای ناکرده، انسان در دنیا عجب یا حسد یا بی رحمی و امثال آن داشته باشد، جلوی اعمالش گرفته می شود». بنابراین اگر کسی بر تربت امام حسین علیه السلام از روی اخلاص و ایمان سجده کند، حجاب ها و پرده های هفتگانه آسمان را کنار می زند و عمل او به آسمان هفتم و مرتبه قبول خدای سبحان می رسد. در هر صورت این روایت بیانگر عظمت ابا عبد الله الحسین علیه السلام و قرب خاص او در پیشگاه ربوبی است به گونه ای که خاک و تربت او نیز آثار معنوی عمیق و ویژه ای دارد به گونه ای که سجده بر تربت او موانع اجابت نماز و دعا را برطرف می سازد و زمینه صعود و عروج اعمال و نماز را فراهم می آورد. این اثر به دلیل انتساب و ربط این تربت و خاک مقدس با وجود مقدس سید الشهداء علیه السلام است و دلالت دارد که هر چیزی در راه محبت و علاقه به آن حضرت دارای آثار معنوی و عمیق و ریشه دار و موجب تقرب انسان به خداوند می گردد. وقتی که تربت پاک او چنین آثار عجیبی در پی دارد، خود وجود نازنین او عظمت و جایگاهی رفیعی دارد که برای ما قابل فهم و تصور نیست.

۲. شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء رحمه الله در بیان حکمت استحباب سجده بر تربت امام حسین علیه السلام می فرماید: «از جمله اغراض و مقاصد عالی در استحباب سجود بر تربت امام حسین علیه السلام آن است که نمازگزار هنگامی که پیشانی خود را بر تربت می گذارد به یاد فداکاری و عشق بازی امام حسین علیه السلام در پیشگاه الهی می افتد و از آن جا که سجود بهترین حالات یک بنده نزد خداوند است، مناسب است که در آن حالت به یاد ارواح پاک و طیب و طاهری بیفتد که جانانشان را در راه معشوق فدا کردند. در این هنگام و با این تفکر، حالتی عرفانی و معنوی قوی ای در نفسش نسبت به خداوند متعال حاصل می شود، و این به جهت توسل و ارتباط با امام حسین علیه السلام از طریق تربت اوست. از همین رو در روایات می خوانیم که سجده بر تربت امام حسین علیه السلام حجاب های هفت گانه را پاره می کند. پس در حقیقت سجده بر تربت حسینی علیه السلام سر صعود و عروج از تراب به رب الارباب است...». «الارض و التربة الحسينیه، ص ۳۲ و ۳۳».

۱. اعتبار سجود بر اعضای شش گانه به همراه پیشانی: صحیحۀ زراره.
۲. افضلیت سجود بر تربت امام حسین علیه السلام: روایت معاویه بن عمار.
- ادله برخی احکام سجود

تطبیق

۹. و اما وجه الأفضلیة علی ما ذکر، فلما رواه معاویة بن عمار: «کان لأبی عبد الله علیه السلام خریطة دیباج صفراء فیها تربة أبی عبد الله علیه السلام فكان إذا حضرته الصلاة صبّه علی سجادته و سجد علیه، ثم قال علیه السلام: ان السجود علی تربة أبی عبد الله علیه السلام یخرق الحجب السبع»^۱.

۹. و اما دلیل افضلیت سجود بر آن چه که ذکر شد به دلیل روایت معاویه بن عمار است: «همواره امام صادق(ع) کیسه زرد رنگی از جنس «ابریشم» به همراه داشت که مقداری از تربت امام حسین (ع) در آن کیسه بود، به هنگام نماز آن را بر روی سجاده خود می ریخت و بر آن سجده می کرد سپس حضرت می فرمود: سجده بر تربت امام حسین علیه السلام حجاب های هفت گانه را پاره می کند»

علی أن الافضلیه المذكورة لا تحتاج الی دلیل بعد تعطر تلك التربة بأفضل دم أریق علی وجه الارض فی سبیل إعلاء کلمة الاسلام.

علاوه بر این که افضلیت سجده بر تربت امام حسین علیه السلام نیازی به دلیل ندارد بعد از آن که این تربت با بهترین خونی که برای بالا بردن کلمه اسلام بر روی زمین ریخته شده، معطر شده است.

SCOY ۲۹:۰۲

۱. وسائل الشیعة الباب ۱۶ من أبواب ما یسجد علیه الحدیث ۳.

چکیده

۱. واجب بودن دو سجده در هر رکعت از ضروریات دین است و روایات مختلفی مانند صحیحۀ اسماعیل بن جابر بر وجوب آن دلالت می‌کند.
۲. باطل بودن نماز در صورت نقصان دو سجده لازمه جزئیت سجده برای نماز می‌باشد.
۳. عدم بطلان نماز در صورت نقصان یک سجده و اجزاء غیر رکنیه نماز، اختصاص به حالت نسیان دارد که ادله خاصی مانند صحیحۀ اسماعیل بن جابر بر آن دلالت می‌کند.
۴. بطلان نماز در صورت فراموش کردن دو سجده، به دلیل این است که سجده از مستثنیات صحیحۀ «لاتعاد» می‌باشد.
۵. اطلاق صحیحۀ «لاتعاد» شامل فراموش کردن یک سجده نیز می‌شود که با صحیحۀ اسماعیل بن جابر مقید به فراموشی دو سجده می‌شود.
۶. بطلان نماز در صورت اضافه شدن دو سجده سهواً یا عمداً به دلیل اطلاق صحیحۀ ابی بصیر و قاعده «لاتعاد» در صورت شمول این قاعده نسبت به اجزاء اضافی - می‌باشد.
۷. عدم بطلان نماز در صورت اضافه شدن یک سجده سهواً به دلیل صحیحۀ منصور بن حازم می‌باشد که با آن صحیحۀ ابی بصیر مقید به ترک دو سجده می‌شود.
۸. عدم بطلان نماز در صورت نقصان یک سجده به دلیل صحیحۀ اسماعیل بن جابر می‌باشد.
۹. صحیحۀ هشام بن حکم و حدیث مشهور سجود نبی اکرم صلی الله علیه و آله که از عائشه و میمونه نقل شده، ادله لزوم سجده بر زمین و غیر خوارکی و پوشاکی که از زمین می‌روید، می‌باشند.
۱۰. صحیحۀ زراره از امام باقر علیه‌السلام بر اعتبار سجود بر اعضای شش‌گانه همراه با پیشانی دلالت می‌کند.
۱۱. دلیل افضلیت سجود بر تربت امام حسین علیه‌السلام روایت معاویه بن عمار از امام صادق علیه‌السلام می‌باشد.